

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست‌های روز هفتم لاودیکه‌ای - شماره هفت

Jeff Pippenger

2025-12-09

شماره هفت

در چند مقالهٔ نخست، بخشی از کتاب The Desire of Ages را آوردیم که به این می‌پردازد که مسیح، مثل تاختستان را برای یهودیان خرده‌گیر بیان می‌کند. تمثیل سرود تاختستان همچنین همان سرود موسی و بره است که آن یک‌صد و چهل و چهار هزار می‌خوانند، و الهام به ما می‌گوید که «سرود» در نبوت نمایانگر «تجربه» است. آن یک‌صد و چهل و چهار هزار، بره را هرجا که او برود پیروی می‌کنند؛ پس از همان تجربه‌ای خواهند گذشت که مسیح و موسی گذشتند. مسیح به‌عنوان امگای تاریخ نبوی اسرائیل باستان و موسی به‌عنوان آلفای تاریخ نبوی اسرائیل باستان، هر دو در دوره‌های موازی‌ای زیستند که در آن، قوم صاحب عهد پیشین در حال کنار گذاشته شدن بود و در همان حال قوم عهد جدید در حال برگزیده شدن بود. آن یک‌صد و چهل و چهار هزار، سرود موسی و بره را با تجربه کردن دوره‌ای تاریخی می‌خوانند که در آن، قوم صاحب عهد پیشین کنار گذاشته می‌شود، در حالی که خداوند با قوم نهایی عهد خویش وارد عهد می‌شود.

از نظر نبوی، زمانی که مسیح مثل را بیان می‌کرد، با هنگامی که پطرس در روز پنتیکاست یهودیان بهانه‌گیر را خطاب قرار داد، هم‌راستا است. در بحران نهایی، اینکه عیسی مثل را برای یهودیان بهانه‌گیر بیان می‌کند، نماینده کسانی است که سرود تاختستان را برای میگساران افرایم می‌خوانند. پطرس همان سرود را در پنتیکاست عرضه می‌کند، فقط آن را در لحن یوئیل می‌خواند. سرود تاختستان، سرود قوم عهد پیشین است که طلاق داده می‌شود، در همان زمانی که قوم عهد جدید با خداوند ازدواج می‌کند. دوشیزگانی که نامید شدند و وارد دوران درنگ شدند، در انتظار ازدواج بودند، و تحقق کامل این است که آنان در انتظار مهر شدن صد و چهل و چهار هزار نفر هستند.

کتاب یوئیل در فصل نخست خود شرح می‌دهد که چگونه تاختستان خدا به دست میگساران شراب و نوشیدنی‌های مست‌کننده نابود شده است؛ همانانی که «شراب نو» از دهانشان قطع شده است. به محض آنکه عیسی به یهودیان خبر داد که پادشاهی‌شان از ایشان گرفته خواهد شد و به گروهی از باغبانان سپرده خواهد شد که میوه‌های راستین تاختستان را به بار خواهند آورد، عیسی جهت سخن را عوض کرد و به سنگ زاویه در هیکل اشاره نمود که کنار گذاشته شده بود، اما مقدر بود که سنگ رأس شود. آغاز قرار بود در پایان تکرار شود، و هنگامی که این حقیقت بیان می‌شود، آن «عجیب» توصیف می‌گردد.

«اصل ذکر نخست» در کلام خدا به ما می‌گوید که از آن‌جا که یوئیل نخست به ویرانی تاختستان می‌پردازد، همین موضوع نقطهٔ اصلی شهادت اوست. یوئیل در این کار تنها نیست، زیرا هر یک از انبیای بزرگ شهادت خود را با پرداختن به گناهان و وضع گمراه و گم‌شده اسرائیل آغاز می‌کند.

در اشعیا باب بیست‌وهشت، مردان استهزاگری که بر اورشلیم حکومت می‌کنند، به صورت «مست‌های افرایم» و نیز «تاج غرور» معرفی شده‌اند. «تاج» نماد رهبری است و «غرور» نمایانگر سرشتی شیطانی است.

میگساران در مقابل بقیه («باقی مانده») قرار دارند که «تاج» جلال خدا می‌شوند؛ زیرا در زمان باران پسین، خداوند «ملکوت جلال» خود را برپا می‌کند، همان‌گونه که برپا کردن «ملکوت فیض» بر صلیب نمونه آن بود. «ملکوت فیض» بر صلیب، نمونه «ملکوت جلال» در هنگام قانون یکشنبه است.

باران آخر در 9/11 آغاز شد، هنگامی که مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر و داوری زندگان نیز آغاز گردید. در زمان مهر شدن، ریزش روح القدس در 9/11 آغاز شد، چنان‌که عیسی چند قطره دمید. آن بنیان است و ریزش روح القدس در فریاد نیمه شب سنگ رأس است. "شگفت‌انگیز" نمادی از دوره ریزش روح از "9/11 تا قانون یکشنبه" است.

نمادپردازی موازی اما متضاد «تاج» به‌عنوان نمایانگر رهبری، در روایت اشعیا باب بیست‌وهشت بیان شده است؛ زمانی که مستان حاکم بر اورشلیم کنار گذاشته می‌شوند و رهبری کلیسای خدا به باقی مانده سپرده می‌شود. این امر مثل تاکستان را نشان می‌دهد. تاج مستان برداشته می‌شود و آنگاه صد و چهل و چهار هزار خود تاجی می‌شوند که پادشاهی مسیح را نمایندگی می‌کند. اشعیا همین حقیقت را در باب بیست‌ودو نیز تعلیم می‌دهد، هنگامی که شبنا به سرزمینی دور افکنده می‌شود و الیاقیم جای او را می‌گیرد. چه سخن از مستان افرایم باشد و چه از شبنا در باب بیست‌ودو، هر دو حکایت از آن دارند که رهبری قوم عهد پیشین خدا کنار گذاشته می‌شود.

زکریا به ورود پیروزمندانه که همان فریاد نیمه شب است اشاره می‌کند، و آیتی که در ادامه می‌آیند با اشعیا هم‌نظرند و قوم خدا را همچون تاج معرفی می‌کنند.

بسیار شادمان باش، ای دختر صهیون؛ بانگ شادی برآور، ای دختر اورشلیم! اینک پادشاهت نزد تو می‌آید؛ او عادل است و نجات را با خود دارد؛ فروتن است و بر الاغی، و بر کره الاغ، سوار است. و ارابه را از افرایم و اسب را از اورشلیم قطع خواهیم کرد، و کمان جنگی از میان برداشته خواهد شد؛ و او صلح را به امت‌ها اعلام خواهد کرد؛ و فرمانروایی او از دریا تا دریا، و از رود تا به اقصای زمین خواهد بود.

و اما تو نیز، به سبب خون عهدت، من اسیرانت را از چاه بی‌آب بیرون فرستاده‌ام.

به دژ استوار بازگردید، ای اسیران امید؛ امروز نیز اعلام می‌کنم که به شما دو برابر خواهم داد؛ چون کمان یهودا را برای خود بکشم و کمان را با افرایم پر سازم، و پسرانت را، ای صهیون، بر ضد پسرانت، ای یونان، برانگیزانم، و تو را چون شمشیر مردی نیرومند سازم.

و خداوند بر فراز آنان ظاهر خواهد شد، و تیر او چون برق بیرون خواهد رفت؛ و خداوند خدا در کرنا خواهد دمید، و با گردبادهای جنوب خواهد آمد. خداوند لشکرها از ایشان دفاع خواهد کرد؛ و ایشان خواهند بلعید و با سنگ‌های فلاخن مغلوب خواهند ساخت؛ و خواهند نوشید و چون از شراب بانگ برخوانند آورد؛ و مانند کاسه‌ها و همچون گوشه‌های مذبح، پر خواهند شد. و خداوند خدای ایشان در آن روز ایشان را چون گله قوم خود نجات خواهد داد، زیرا که ایشان مانند سنگ‌های تاج خواهند بود، برافراشته همچون بیرقی بر سرزمین او. زیرا چه عظیم است نیکویی او و چه بزرگ است زیبایی او! غله جوانان را شادمان خواهد ساخت، و شراب نو دوشیزگان را. زکریا ۹:۹-۱۷.

آیه یازدهم (۹:۱۱) می‌گوید: «و اما برای تو نیز، به سبب خون عهد تو، اسیرانت را از چاهی که در آن آبی نیست، رها ساختم.» مسیح برای یک هفته عهد را با بسیاری تأیید کرد و آن هفته از تعمیر او آغاز شد. به مدت سه سال و نیم، مسیح در میان مردم می‌زیست و در دوره پایانی آن سه سال و نیم، مسیح پیشگویی زکریا را که به ورود پیروزمندانه مسیحا به اورشلیم اشاره داشت، تحقق بخشید. فریاد نیمه شب دوره‌ای را آغاز کرد که به مرگ، تدفین و قیام مسیح انجامید. تعمیر مسیح نمایانگر مرگ، تدفین و قیام اوست؛ بنابراین آغاز و پایان آن دوره سه سال و نیمه یکسان‌اند.

تعمید مسیح نماد ۱۱ سپتامبر است، و ۱۱ سپتامبر نقطه آغاز دوره‌ای است که در قانون یکشنبه پایان می‌یابد. در ۱۱ سپتامبر باران آخر به صورت نم‌نم آغاز شد و در قانون یکشنبه به طور بی‌حد و حصر افاضه می‌شود؛ چنان‌که دمیدن مسیح بر شاگردان و بخشیدن چند قطره باران به آنان، پیشاپیش افاضه عظیم در پنجاهه، آن را نمادین کرده است.

زکریا ۹:۱۱ با ۹/۱۱ و نیز با فریاد نیمه‌شب که به قانون روز یکشنبه منتهی می‌شود، هم‌راستا است. در ۹/۱۱، پیام لاودکیه‌ای همچون حقیقت حاضر رسید، همان‌گونه که در ۱۸۵۶ و ۱۸۸۸ چنین شده بود. پیام لاودکیه‌ای به کسانی داده می‌شود که بی‌خبرند که مرده‌اند. آنان در «چاهی» بی‌پیام باران دیرهنگام‌اند، زیرا چاهشان آبی ندارد. اگر اهل لاودکیه فقط به در زدن بر درل‌های خود پاسخ می‌دادند، خداوند آنان را از چاه برمی‌آورد؛ زیرا تا هنگام بسته شدن مهلت در قانون روز یکشنبه، آنان «اسیران امید» هستند.

و اما برای تو نیز، به سبب خون عهده، زندانیان را از چاهی که در آن آبی نیست بیرون فرستاده‌ام. ای زندانیان امید، به دژ استوار بازگردید؛ امروز نیز اعلام می‌کنم که دو برابر به تو خواهم داد. زکریا ۹:۱۱، ۱۲.

۱۱ سپتامبر به پیامی که در سال ۱۹۸۹ رسید، توان بخشید. آن پیام، پیام فرشته سوم است، اما در ساختار و اصطلاحات جنبش اصلاحی میلریتی، سال ۱۹۸۹ نشان‌دهنده آمدن فرشته اول بود. پیام فرشته اول در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ با تحقق یک پیشگویی درباره اسلام توان گرفت، و این نشان می‌دهد که آمدن فرشته سوم در سال ۱۹۸۹ با تحقق یک پیشگویی درباره اسلام توان خواهد گرفت.

وقتی پیشگویی مربوط به اسلام در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ تأیید شد، فرشته مکاشفه باب دهم نازل شد و بدین‌سان نمونه‌ای از نزول فرشته مکاشفه باب هجدهم در 9/11 بود. قدرت‌یابی فرشته اول در 1840 و قدرت‌یابی فرشته دوم در 1844، هر دو نمونه‌ای از قدرت‌یابی فرشته سوم در 9/11 هستند. 18 ژوئیه 2020 زمان ورود فرشته دوم بود، چنان‌که نخستین نومییدی پیروان میلر در 19 آوریل 1844 آن را نمادین کرده بود. تاریخ هر دو قدرت‌یابی فرشته اول و دوم در تاریخ پیروان میلر، و همچنین تاریخ قدرت‌یابی فرشته سوم در 9/11، بر قدرت‌یابی پیام فریاد نیمه‌شب که در ژوئیه 2023 رسید، گواهی می‌دهند.

دوره مهرگذاری از ۹/۱۱ آغاز می‌شود و در قانون یکشنبه پایان می‌یابد. این دوره با دمیدن چند قطره از باران پسین از سوی مسیح آغاز می‌شود و با زبان‌های آتش که در پنتیکاست پیامی را به جهان حمل می‌کنند پایان می‌یابد. پطرس پنتیکاست را تحقق یوئیل دانست. با این واقعیت، ثابت می‌شود که دمیدن مسیح نیز تحقق یوئیل بود، زیرا فصل پنتیکاست آغاز و پایانی مشخص دارد که نشان می‌دهد آلفا همان امگا نیز هست. در روز رستاخیز مسیح، قربانی نوبی جو تقدیم شد، و پنجاه روز بعد، در پنتیکاست، قربانی نوبی گندم برافراشته شد. ۹/۱۱ نمونه‌ای از فریاد نیمه‌شب است که درست پیش از قانون یکشنبه می‌رسد و به آن منتهی می‌شود. تحقق کامل بازنمایی فریاد نیمه‌شب در زکریا ۹:۹ پس از ژوئیه ۲۰۲۳ است.

بسیار شادی کن، ای دختر صهیون؛ فریاد برآور، ای دختر اورشلیم! اینک پادشاهت به سوی تو می‌آید؛ او عادل است و رستگاری با اوست؛ فروتن است و بر الاغی سوار است، و بر کره‌ای، بچه الاغ. زکریا ۹:۹

پس زکریا با نمادپردازی اشعیا که قوم خدا را همچون تاج نشان می‌دهد موافق است، اما او می‌افزاید که آن تاج همچنین نشان نیز هست، آنگاه که نوشت: «زیرا ایشان همچون سنگ‌های تاج خواهند بود، که چون نشانی بر زمین او برافراشته می‌شوند»، و زکریا نیز شادی مرتبط با نمادهای یوئیل، یعنی

«گندم» و «شراب تازه»، را باز می‌تاباند، وقتی می‌گوید: «گندم جوانان را شادمان خواهد کرد و شراب تازه دوشیزگان را.» هنگامی که گزارش مستان افرایم را در فصل بیست‌وهشت در نظر می‌گیریم، توجه داشته باشید که این همان فصل کتاب مقدس است که «آرامی و تجدید نیرو» را مشخص می‌کند. این یکی از بخش‌های اصلی کتاب مقدس درباره باران پسین است، پس این مستان افرایم باید همان مست‌هایی باشند که یوئیل از آنان سخن می‌گوید.

وای بر تاج غرور، بر میگساران افرایم، که زیبایی پرچالشان چون گلی پژمرده است، آنان که بر سر دره‌های حاصلخیز کسانی‌اند که از شراب مغلوب شده‌اند! اینک، خداوند شخصی توانا و نیرومند دارد که همچون تندباد تگرگ و توفان ویرانگر، چون سیلاب آب‌های نیرومند خروشان، آن را با دست به زمین فرو خواهد افکند. تاج غرور میگساران افرایم زیر پا لگدمال خواهد شد؛ و آن زیبایی پرچال که بر سر دره حاصلخیز است، چون گلی پژمرده خواهد شد و مانند میوه زودرس پیش از تابستان؛ که هر که بدان بنگرد، همین که آن را در دست دارد، آن را می‌خورد. در آن روز، خداوند لشکرها برای بازمانده قوم او تاجی از جلال و افسر زیبایی خواهد بود، و روح داوری برای آن که بر مسند داوری نشسته است، و قوتی برای آنان که نبرد را تا به دروازه باز می‌گردانند. اما ایشان نیز به سبب شراب گمراه شده‌اند و با نوشیدنی قوی از راه به در رفته‌اند؛ کاهن و نبی به سبب نوشیدنی قوی خطا کرده‌اند؛ شراب ایشان را فروبلعیده است؛ به واسطه مسکرات از راه منحرف‌اند؛ در رؤیا خطا می‌کنند و در داوری می‌لغزند. زیرا همه میزها از قی و کثافت پر است، چنان‌که هیچ جای پاکی نمانده است. ...

درنگ کنید و حیران شوید؛ فریاد زنید و فریاد برآورید: آنان مست‌اند، اما نه از شراب؛ تلوتلو می‌خورند، اما نه از نوشیدنی مست‌کننده قوی. زیرا خداوند روح خواب‌گران را بر شما فرو ریخته و چشمانتان را بسته است؛ پیامبران و سروران شما، یعنی بینایان، را پوشانیده است. و رؤیای همه برای شما همچون کلمات کتابی مهر و موم شده است که آن را به نزد شخصی تحصیل کرده می‌سپارند و می‌گویند: از تو می‌خواهیم، این را بخوان؛ و او می‌گوید: نمی‌توانم، زیرا مهر و موم شده است. و آن کتاب را به کسی که بی‌سواد است می‌سپارند و می‌گویند: از تو می‌خواهیم، این را بخوان؛ و او می‌گوید: من باسواد نیستم.

از این رو خداوند گفت: از آنجا که این قوم با دهان به من نزدیک می‌شوند و با لب‌های خود مرا گرامی می‌دارند، اما دلشان را از من دور ساخته‌اند، و ترس ایشان از من به دستوره‌های انسانی تعلیم داده می‌شود؛ پس اینک، در میان این قوم کاری شگرف و عجیب به‌جا خواهم آورد؛ زیرا حکمت حکیمانشان نابود خواهد شد و فهم خردمندانشان پنهان خواهد گشت. وای بر آنان که ژرف می‌کوشند تدبیر خود را از خداوند پنهان کنند، و کارهایشان در تاریکی است و می‌گویند: چه کسی ما را می‌بیند؟ و چه کسی از ما آگاه است؟ به راستی وارونه‌سازی شما همچون گل کوزه‌گر انگاشته خواهد شد: آیا ساخته درباره سازنده‌اش می‌گوید: او مرا نساخت؟ یا آنچه صورت داده شده است درباره صورت‌دهنده‌اش می‌گوید: او فهمی ندارد؟ اشعیا 1: 28-8؛ 9: 29-16

خداوند در میان مست‌های افرایم "کار شگفت‌آوری" خواهد کرد، در حالی که حکمت و فهم آنان را - همان دو عنصری که با درک افزایش معرفت هنگام گشوده شدن یک پیام نبوی پیوند دارند - از آنان می‌گیرد. این حکیمان‌اند که می‌فهمند. بخشی از آن "کار شگفت‌آور" زدودن دانشی است که مهرش به دست شیر سبط یهودا گشوده می‌شود، از ذهن‌های مست‌های افرایم. جداسازی حکیمان و شیرین بخشی از "کار شگفت‌آور" خداوند است. این همان انجیل جاودان است. پس از آنکه مسیح یهودیان اهل مجادله را با مثل تاکستان پیش برد و بدین‌سان آنان را به دام انداخت تا حکم خود را خودشان بر زبان آورند، او پرسشی از مزمور ۱۱۸ مطرح کرد:

سنگی که بناها رد کردند، سنگ زاویه شده است. این کار خداوند است؛ در نظر ما شگفت‌انگیز است. این همان روزی است که خداوند ساخته است؛ در آن شادمان خواهیم شد و خوشی خواهیم کرد. مزمو ۲۲:۱۱۸-۲۴.

خداوند قرار است «کاری شگرف و اعجاب‌انگیز» بر می‌گساران افرایم انجام دهد و این شامل سلب توانایی آنان برای تشخیص حقیقت است. «سنگ سر زاویه» در نظر کسانی که «شراب تازه» یوئیل را دارند شگفت‌انگیز است.

میگساران نمی‌توانند کتاب مهرشده را بخوانند؛ چه رهبرانی که «دانشمند» به‌شمار می‌آیند و چه عوامی که «بی‌سواد» به‌شمار می‌آیند. برای میگساران ناممکن است که شهادت نبوی کتاب مقدس را، که با عنوان «کتاب مهرشده» نمایانده شده، به‌درستی درک کنند. میگساران همچنین دو بار به‌عنوان «از راه به‌در» معرفی شده‌اند. و باز این در اشعیا باب بیست‌وهشت ثبت شده است، که از بخش‌های برجسته کتاب مقدس درباره «باران آخر» است؛ جایی که اشعیا «آرامی و تازگی» ای را مشخص می‌کند که میگساران نمی‌خواستند بشنوند. «آرامی و تازگی» پیامی است، زیرا می‌توان آن را شنید.

این مستی، میگساران را از مسیر «راه‌های کهن» ارمیا—همان «راهی» که باید در آن گام برداشت تا باران پسین را یافت—بیرون برده است؛ بارانی که ارمیا از آن با عنوان «آرامش» یاد می‌کند. رد پیام باران پسین از سوی میگساران افرایم، موضوعی مشخص در کلام خداست. آنان مست‌اند، زیرا از بازگشت به تاریخ بنیادینی که الگوی تاریخ صد و چهل و چهار هزار را فراهم می‌کند—که همان تاریخ باران پسین است—سر باز زدند.

«کار شگفت»ی که بر مستان افرایم انجام می‌شود، در هنگام بارش باران پسین رخ می‌دهد. در زمان باران پسین، پیامی آزمون‌گر دو گروه پرستنده پدید می‌آورد که با «شرابی» که می‌نوشند به تصویر کشیده می‌شود. شریران نخواستند کاربست نبوی خود را بر خطوط تاریخ مقدس استوار کنند، و آنان که روش «خط بر خط» اشعیا بیست‌وهشت را به‌کار می‌گیرند از «شراب تازه» می‌نوشند. مستی شریران با ناتوانی‌شان در فهم نبوت آشکار می‌شود، و کوری آنان ناشی از بی‌میلی‌شان به بازگشت به راه‌های کهن بنیادین است. عیسی یهودیان خرده‌گیر را سرزنش کرد و پرسید آیا هرگز نخوانده‌اید درباره سنگی که رد می‌شود و سر زاویه می‌گردد؟

سنگی که سر زاویه می‌شود، بیانگر این حقیقت نبوی است که سنگ بنیاد یا سنگ زاویه در سنگ رأس تکرار می‌شود. سنگ آلفا همان سنگ امگا است. اصل نبوی اصلی که روش «خط بر خط» (که همان روش باران آخر است) را بنیان می‌نهد و استوار می‌دارد، این است که آغاز یک چیز، پایان آن را نشان می‌دهد. اصل نبوی اصلی در جنبش میلری، اصل «روز به سال» بود که هنگام فرود آمدن فرشته مکاشفه باب ده تأیید شد. اصل نبوی اصلی در جنبش صد و چهل و چهار هزار این است که آغاز پایان را نشان می‌دهد، که هنگام فرود آمدن فرشته مکاشفه باب هجده تأیید شد.

کلام نبوی خدا در توضیح عوامل مربوط به باران پسین بسیار مفصل است. یکی از آن حقایق این است که می‌گساران افرایم قادر به شناخت باران پسین نیستند، و نمونه‌اش یهودیانی بودند که به پطرس می‌گفتند شاگردان مست‌اند. اصل محوری این روش‌شناسی در کلام خدا بارها و بارها به‌طور مستقیم به‌صورت «آلفا و امگا» بیان شده است، اما کلام بر ایشان مهر شده است. این روش‌شناسی، قاعده اصلی نبوت و پیام باران پسین از جمله موضوعات تقدیس‌شده در خطی نبوی از تاریخ‌اند که به‌عنوان «عملی عجیب» تصویر شده است.

باز کلام خداوند لشکرها به من رسید و گفت: خداوند لشکرها چنین می‌گوید: برای صهیون با غیرتی عظیم غیرت ورزیدم، و برای او با خشمی بزرگ غیرت ورزیدم. خداوند چنین می‌گوید: به صهیون بازگشته‌ام و در میان اورشلیم ساکن خواهم شد؛ و اورشلیم «شهر راستی» نامیده خواهد شد، و کوه خداوند لشکرها «کوه مقدس» نامیده خواهد شد. خداوند لشکرها چنین می‌گوید: باز پیرمردان و پیرزنان در کوچه‌های اورشلیم سکونت خواهند داشت، و هر یک به سبب کثرت سال‌ها عصا در دست خواهد داشت. و کوچه‌های شهر از پسران و دخترانی که در کوچه‌های آن بازی می‌کنند پر خواهد شد.

خداوند لشکرها چنین می‌گوید: اگر در چشم بازماندگان این قوم در این روزها این امر شگفت‌انگیز باشد، آیا در چشم من نیز شگفت‌انگیز خواهد بود؟ خداوند لشکرها می‌گوید. خداوند لشکرها چنین می‌گوید: اینک، قوم خود را از سرزمین مشرق و از سرزمین مغرب نجات خواهم داد؛ و آنان را خواهم آورد و در میان اورشلیم ساکن خواهند شد؛ و ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود، در راستی و عدالت. خداوند لشکرها چنین می‌گوید: دست‌هایتان استوار باد، ای شما که در این روزها این سخنان را از زبان پیامبرانی می‌شنوید که در روزی که بنیان خانه خداوند لشکرها نهاده شد تا هیکل بنا گردد، حضور داشتند. زیرا پیش از این روزها هیچ اجرتی برای انسان نبود و نه اجرتی برای چارپا؛ و برای هر که بیرون می‌رفت یا داخل می‌شد، به سبب ستیز آرامشی نبود؛ زیرا من هر کس را بر ضد همسایه‌اش برانگیخته بودم. اما اکنون نسبت به بازمانده این قوم همچون روزهای پیشین نخواهم بود، خداوند لشکرها می‌گوید. زکریا ۸:۱۱-۱۱.

زکریا می‌گوید: «دست‌هایتان قوی باد، ای کسانی که در این روزها این سخنان را از زبان پیامبرانی که در روزی که بنیاد خانه خداوند لشکرها گذاشته شد تا معبد بنا گردد، سخن گفتند، می‌شنوید.» آنچه قوم خدا را تقویت می‌کند، پیام بنیاد است که به سنگ رأس بدل می‌شود. آن پیام این است که تاریخ میلریتی‌ها در تاریخ صد و چهل و چهار هزار نفر تکرار می‌شود.

مسیح می‌پرسد: «اگر در این روزها در نظر بازماندگان این قوم شگفت‌انگیز باشد، آیا در نظر من نیز شگفت‌انگیز خواهد بود؟» این پرسش دوره نبوی «کار شگفت‌انگیز» خدا را که موضوع همه انبیاست مشخص می‌کند، و نیز مشخص می‌سازد که چه زمانی جنبش لاودیکه‌ای صد و چهل و چهار هزار به جنبش فیلادلفی همان صد و چهل و چهار هزار تبدیل می‌شود. این همان نقطه‌ای است که آنان مهر می‌شوند، و همان نقطه‌ای که جنبش از حالت مبارز به حالت پیروزمند دگرگون می‌شود؛ و نیز همان‌جاست که کار پیوند دادن الوهیت با انسانیت در میان این گروه از مردم به فرجام می‌رسد، زیرا قدس حقیقتاً تطهیر می‌شود. این امر را می‌توان در آیات تشخیص داد، زیرا تاریخ نبوی نمایانده شده در «کار شگفت‌انگیز» او در نظر خدا و در نظر بازماندگان شگفت‌انگیز است، و «چشم در چشم» نماد وحدت است. وحدتی که اینجا نمایانده شده، درباره مهر شدن قوم خداست؛ آنان که بره را هر جا که می‌رود پیروی می‌کنند و به جایی رسیده‌اند که مرگ را بر گناه کردن و بد جلوه دادن شخصیت مسیح ترجیح می‌دهند.

میخا تاریخ بنیادین اسرائیل باستان را «کارهای شگفت‌انگیز» می‌نامد.

چنان‌که در روزهای خروج تو از سرزمین مصر، کارهای شگفت‌انگیزی به او نشان خواهم داد. میخا ۷:۱۵

«کارهای شگفت‌انگیز» همان تاریخ بنیادینی است که «شگفت‌انگیز» است، زیرا تاریخ بنیادین در تاریخ پایانی که سرسنگ نماد آن است، تکرار می‌شود. «کارهای شگفت‌انگیز» تاریخی است که با سنگ زاویه آغاز می‌شود و با «سرسنگ» پایان می‌یابد. «کارهای شگفت‌انگیز» او در تاریخ موسی آشکار شد و در تاریخ مسیح تکرار شد. موسی سنگ زاویه بود و مسیح سرسنگ بود. از نظر نبوی، موسی آلفا و

مسیح اُمگا است.

"مسیح از موسی—که همان آغاز تاریخ کتاب مقدس است—آغاز کرد و در تمام کتب مقدس اموری را که به خود او مربوط می‌شد شرح داد." اشتیاق اعصار، ۷۹۷.

موسی تعلیم داد، و پطرس در روز پنتیکاست از سخنان موسی استفاده کرد تا نشان دهد که موسی نمونه‌ای از مسیح بود.

اما آنچه را که خدا از پیش به زبان همه پیامبران خود اعلام کرده بود، یعنی اینکه مسیح باید رنج بکشد، او آن را به همین‌گونه تحقق بخشیده است. پس توبه کنید و بازگردید تا گناهانتان محو شود و زمان‌های تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی مسیح را که پیشتر به شما بشارت داده شده بود، خواهد فرستاد؛ که آسمان باید او را نگاه دارد تا زمان بازگرداندن همه چیز، همان‌گونه که خدا از آغاز جهان به زبان همه پیامبران مقدس خود سخن گفته است. زیرا موسی به راستی به پدران گفت: «خداوند خدای شما از میان برادرانتان پیامبری مانند من برای شما برخواهد انگیخت؛ در هرچه به شما بگوید به او گوش فرا دهید.» و چنین خواهد شد که هر کسی که آن پیامبر را نشنود، از میان قوم نابود خواهد شد. بلی، و همه پیامبران از سموئیل و پس از او، همه آنان که سخن گفته‌اند، نیز از این روزها پیش‌گویی کرده‌اند. اعمال رسولان ۱۸:۳-۲۴.

موسی به‌عنوان آلفا و مسیح به‌عنوان امگا، به‌واسطه شهادت دوم پطرس درباره موسی در هنگام افاضه روح در پنتیکاست تثبیت شد، و بدین‌سان پطرس تأکید کرده و نشان می‌دهد که یکی از اجزای اصلی پیام باران آخر (و جدلی که بر ضد آن برمی‌خیزد) اصل نبوی «آلفا و امگا» است. آن اصل برای یک صد و چهل و چهار هزار نفر همان نقشی را دارد که اصل «سال/روز» در تاریخ میلریتی‌ها داشت. اصل «آلفا و امگا» همان اصل «پایه‌ای که به سنگ قله تبدیل می‌شود» است؛ همان اصول «موسی و بره» است؛ و از این‌رو به الهام، به‌عنوان یکی از ابیات «سرود تاکستان»، که همان «سرود موسی و بره» نیز هست، معرفی می‌شود.

آغاز و پایانی که در خطوط نبوی گوناگون به تصویر کشیده می‌شود، نمایانگر تاریخی است که در آن خدا «اعمال شگفت‌انگیز» خود را به انجام می‌رساند؛ و همین نوری که از تشخیص اینکه نماد «اعمال شگفت‌انگیز» چه چیزی را نمایندگی می‌کند برمی‌آید، یک لائودیکیه‌ای را به فیلادلفیایی دگرگون می‌کند و بدین‌سان او به سنگی در هیکلی که در حال بنا شدن است بدل می‌شود؛ چنان‌که هیکل میلریتی در طی ۴۶ سال منتهی به ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بنا شد، زمانی که خداوند ناگهان به هیکل خود آمد.

اگر چشیده‌اید که خداوند کریم است. نزد او می‌آیید، نزد سنگی زنده، که از سوی مردم مردود شد، اما نزد خدا برگزیده و گران‌بهاست. شما نیز، چون سنگ‌های زنده، خانه‌ای روحانی بنا می‌شوید، تا کهنات مقدس باشید و قربانی‌های روحانی تقدیم کنید که به واسطه عیسی مسیح نزد خدا مقبول است. از این رو در کتاب مقدس نیز آمده است: «اینک در صهیون سنگ زاویه اصلی‌ای می‌نهم، برگزیده و گران‌بها؛ و هر که بر او ایمان آورد سرافکنده نخواهد شد.» پس برای شما که ایمان دارید، او گران‌بهاست؛ اما برای نافرمانان، همان سنگی که بناها رد کردند، سر گوشه شده است، و سنگی برای لغزش و صخره‌ای برای افتادن، برای آنان که به سبب نافرمانی، در کلام می‌لغزند؛ که برای همین نیز مقرر شده بودند. اما شما نسل برگزیده، کهنات پادشاهی، قومی مقدس، قوم خاص هستید؛ تا ستایش‌های او را اعلام کنید؛ همان که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیزش فراخوانده است. شما که زمانی قومی نبودید، اما اکنون قوم خدا هستید؛ کسانی که رحمتی نیافته بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید. اول پطرس ۳:۲-۱۰

فراخوانده شدن به درون نور شگفت‌انگیز او زمان این دعوت را مشخص می‌کند، زیرا نقطه عطف ۱۸۸۸ که بنا بر الهام با شورش قورح در تاریخ آغازین موسی هم‌تراز شده است، هنگامی که بر روزهای

آخر تطبیق داده می‌شود، با ۹/۱۱ هم‌راستا می‌گردد؛ زمانی که به گفته الهام پیام لاودکیه همراه با فرشته سوم می‌رسد. لاودکیان در نبوت «نابینا» هستند، به این معنا که در تاریکی‌اند، و دعوت برای بیرون آمدن از تاریکی از زمانی آغاز شد که پیام لاودکیه در ۱۸۵۶، ۱۸۸۸ و ۹/۱۱ رسید. در ۹/۱۱ «فراخوان خروج از تاریکی» نه تنها دعوتی برای فهمیدن نور فرشته باب هجده مکاشفه بود، بلکه همچنین دعوتی بود برای شنونده تا به همان تاریخ وارد شود که در آن «کارهای شگفت‌انگیز» خدا کامل‌ترین تحقق‌های خود را خواهند یافت.

در سه دهه گذشته بارها نشان داده شده است که تعریف نبوی «انجیل جاودانی» سیر تاریخی‌ای است که در آن حقیقتی نبوی مهرش گشوده می‌شود و فرایند آزمون سه مرحله‌ای را آغاز می‌کند، با دو ویژگی تمایزبخش در این سه آزمون. دو آزمون نخست از نظر ماهیت با آزمون سوم متفاوت‌اند، زیرا سومین آزمون محکی است که نشان می‌دهد آیا آزمون‌های اول و دوم را گذرانده‌اید یا نه. تمایز دیگر در انجیل جاودانی این است که برای ورود به آزمون بعدی باید آزمون جاری را با موفقیت بگذرانید.

تاریخ «کارهای شگفت‌انگیز» همان تاریخی است که در آن «انجیل جاودانی» به اوج خود می‌رسد، زیرا ساعت داورى که توسط فرشته اول اعلام شده و به‌عنوان انجیل جاودانی شناخته می‌شود، تحقق کامل خود را از ۱۱ سپتامبر آغاز می‌کند. داورى‌ای که درباره‌اش به میلی‌ها هشدار داده می‌شد، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بود؛ زمانی که در مثل ده باکره بسته شد و بدین‌سان قانون یکشنبه را تمثیل کرد، وقتی که در همان مثل بار دیگر بسته می‌شود. ۱۱ سپتامبر اعلام می‌کند که ساعت داورى اجرایی خدا در هنگام قانون یکشنبه آغاز می‌شود؛ همان‌گونه که میلی‌ها اعلام کردند که ساعت داورى تحقیقی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز شد.

از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، دوره‌ای است که از آن با عنوان «کارهای شگفت‌انگیز خدا» یاد می‌شود، و نیز همانند سنگ بنیادینی است که «سر زاویه» می‌شود، و همانند «فصل پنطیکاست»، و همانند «حقوق باب دوم»، و همچون «زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر»، و همچون «زمان آزمایش تمثال وحش»، و همچون «انجیل جاودانی»، و همچون «تاریخ مقدس ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴»، و همچون تاریخ «مکاشفه باب دهم»، و همچون «تاریخ از تعمید مسیح تا مرگ او».

تاریخی که توسط تعمید او در قالب یک فرکتال بازنمایی شد، دوره ۲۵۲۰ روزه‌ای را آغاز کرد که در صلیب پایان یافت. تعمید مسیح نمایانگر مرگ، دفن و قیام او بود که تحقق واقعی آن در پایان ۱۲۶۰ روز رخ داد.

هنگامی که روح‌القدس در تعمید مسیح نازل شد، نماد نزول فرشته باب هجده مکاشفه در ۹/۱۱ بود. ۱۲۶۰ روز نبوتی بعد، رویدادهایی که با تعمید نمادین شده بودند، بر صلیب به‌طور واقعی تحقق یافتند. تاریخ از تعمید تا صلیب شامل یک تاریخ آلفای نمادین است که در پایان دوره به‌طور واقعی تحقق می‌یابد. تاریخ‌های آلفا و امگا فراکتال‌هایی از کل تاریخ‌اند. تاریخ از تعمید تا صلیب، «اعمال شگفت‌انگیز خدا» است، و آن تاریخ همچنین با «تعمید مسیح» و نیز با «مرگ، دفن و رستاخیز» واقعی او، و بنابراین با «تعمید اسرائیل باستان در دریای سرخ»، و نیز با «تعمید هشت نفس در دوران نوح» بازنمایی می‌شود. تمام این دوره‌ها نمایانگر تاریخ «اعمال شگفت‌انگیز» او هستند.

وقتی صحبت از عدد ۸ به‌عنوان نماد رستاخیز می‌شود، نخستین اشاره به عدد هشت به‌عنوان نماد همان هشت جانی است که در کشتی بودند، و طبق قاعده «اولین اشاره»، همه جزئیات پیش‌گویانه در همان اولین اشاره نهفته است. این هشت جان از زمین قدیم به زمینی نو می‌روند، آیا چنین نیست؟

آن هشت نفر از دوران باران جان سالم به در بردند، اما همه کسانی که پیام هشدار باران را نپذیرفتند مردند، درست است؟ آن «۸» نفری که به زمین جدید می‌روند و در قالب روایت پیام هشدار رده شده، در بسته، باران و زمین جدید به تصویر کشیده شده‌اند، دگرگونی‌ای دوره‌ای را از جهان کهن به جهان نو از سر گذراندند.

تغییر دوره‌ای که هشت جان را که همان صد و چهل و چهار هزارند مشخص می‌کند، گذار از لاودیکه به فیلادلفیا است؛ و نیز گذار از کلیسای مجاهد متشکل از گندم و زوان به کلیسای پیروزمند، که تنها از قربانی نوبت گندم تشکیل شده و چون پرچمی افراشته می‌شود تا همه جهان آن را ببینند، همچون دیدن قایقی تنها در میان آب‌های طوفانی. آن اشخاص همان «۸» اند که از «۷» است، و تاریخ عبور کشتی و عبور از دریای سرخ هر دو نمونه‌هایی از «اعمال عجیب» او هستند.

آن نفوس همان کسانی‌اند که در تحقق مکاشفه ۱۱:۱ زنده شدند. آنان قوم عهد خدا هستند؛ نماینده آنان پدرشان ابراهیم بود که نشان عهد را به وسیله ختنه - که می‌بایست در روز هشتم انجام می‌شد - بر تن داشت.

همه این خطوط نمایانگر یک دوره زمانی واحد هستند، و آن دوره زمانی با نهادن سنگ بنا در ۱۱ سپتامبر آغاز می‌شود و در قانون یکشنبه پایان می‌یابد. ۱۱ سپتامبر سنگ بناست و قانون یکشنبه سنگ رأس. در تاریخ بازسازی اورشلیم در زمان نحمیا و عزرا، کار بنیان‌گذاری در جریان فرمان نخست به انجام رسید و خود معبد بسیار پیش از فرمان سوم تمام شد. در تاریخ میلریتی، بنیان‌ها در مه ۱۸۴۲ نهاده شد، هنگامی که نمودار ۱۸۴۳ منتشر گردید. معبد میلریتی قرار بود طی چهل‌وشش سال برپا شود، از ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴. پیش از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ معبد میلریتی کامل شده بود، و سنگ رأس آن ندای نیمه‌شب بود. هنگامی که ندای نیمه‌شب در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ پایان یافت، آلفا و فرمان سوم ۴۵۷ پیش از میلاد همتای خود را در امگای ۱۸۴۴ ملاقات کرده بودند. ۴۵۷ پیش از میلاد به‌عنوان آلفای ۲۳۰۰ سال و ۱۸۴۴ به‌عنوان امگا. هر دو در یک سطح یکسان‌اند، زیرا یک فرمان یا یک فرشته هر دو پیام‌اند، و هر دو قانون یکشنبه را تمثیل می‌کنند؛ جایی که فرمانی خواهد بود و جایی که پیام فرشته سوم به فریاد بلند اوج می‌گیرد.

از ۴۵۷ پیش از میلاد تا ۴۰۸ پیش از میلاد، چهل و نه سال توسط دانیال به‌عنوان دوره زمانی مشخص شد که در آن یهودیان کار ساخت را به پایان خواهند رساند: «خیابان دوباره بنا خواهد شد و دیوار نیز، حتی در زمان‌های دشوار.»

پس بدان و بفهم که از هنگام صدور فرمان برای بازسازی و بنای اورشلیم تا رسیدن به مسیح سرور، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد گذشت؛ خیابان و حصار دوباره بنا خواهند شد، در زمان‌های پرآشوب نیز. دانیال ۹:۲۵.

۴۵۷ پیش از میلاد و ۱۸۴۴ آلفا و امگای پیشگویی ۲۳۰۰ ساله‌اند. هر دو نمایانگر قانون یکشنبه هستند، زیرا به‌عنوان آلفا و امگا، یکی هستند، و بنا بر الهام، ناامیدی ۱۸۴۴ با ناامیدی صلیب هم‌ردیف دانسته می‌شود. اگر ۱۸۴۴ نماد صلیب باشد، و چنین هم هست، آنگاه همتای آلفای آن (۴۵۷ پیش از میلاد) نیز چنین است. دوره ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ فرایند آزمون فرشته سوم را نشان می‌دهد. آن فرایند آزمون با ۴۹ سالی نمایانده می‌شود که میان فرمان سوم، یعنی فرمان قانون یکشنبه، و به پایان رسیدن کار خیابان و دیوار که در زمان‌های سخت روی می‌دهد، قرار دارد.

از ۴۵۷ پیش از میلاد تا ۴۰۸ پیش از میلاد، تاریخ «آلفا»ی دوره ۲۳۰۰ ساله است که تاریخ «امگا» از ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ را نشان می‌دهد. آن دو تاریخ، تاریخ صد و چهل و چهار هزار را پس از آنکه در قانون یکشنبه مهر می‌شوند تا زمانی که مهلت بشر بسته می‌شود، به تصویر می‌کشند. کار صد و چهل و

چهار هزار این است که مردان و زنان را به «راه‌های قدیم» باز بخوانند؛ راهی که اشعیا آن را بازسازی ویرانه‌های کهن ترسیم می‌کند و ارمیا آن را مسیری می‌شناسد که به پیام باران آخر منتهی می‌شود. «دیوار» شریعت خداست که صد و چهل و چهار هزار آن را به‌عنوان پرچمی در برابر تمام جهان نمایان خواهند ساخت. این در زمان‌های پراشوب وای سوم اسلام رخ خواهد داد، زیرا این اسلام است که ملت‌ها را به خشم می‌آورد. آن کار و آن زمان‌های پراشوب ادامه می‌یابد تا وقتی که میکائیل برمی‌خیزد.

پس اگر ببینید که 457 قبل از میلاد تا 408 قبل از میلاد دوره‌ای نبوتی است که با فرمان سوم آغاز شد و نماد دوره نبوتی بود که در 1844 با آمدن فرشته سوم آغاز شد و در 1863 پایان یافت، آنگاه می‌توانید ببینید که پیوندشان با نبوت 2300 ساله، خواه به‌عنوان نقطه آغاز یا نقطه پایان، آنها را در نسبت با یکدیگر به منزله آلفا و امگا مشخص می‌کند. دوران پراشوب نجمیا بیانگر دوران پراشوبی است که به جنگ داخلی منتهی شد و آن را نیز در بر گرفت. دوره 49 ساله در تاریخ آلفا نماینده دوره 19 ساله در تاریخ امگا است. آن دوره 19 ساله همچنین به‌وسیله 19 سال آغازین نبوت 65 ساله اشعیا به تصویر کشیده شده بود.

زیرا سر سوریه دمشق است و سر دمشق رصین است؛ و در مدت شصت و پنج سال، افرایم شکسته خواهد شد تا دیگر قومی نباشد. اشعیا ۸:۷.

اشعیا این نبوت را در 742 قبل از میلاد بیان کرد و 19 سال بعد، در 723 قبل از میلاد، پادشاهی شمالی به مدت 2520 سال به اسارت برده شد که در 1798 پایان یافت. آن 19 سال از 742 قبل از میلاد تا 723 قبل از میلاد با 19 سال از 1844 تا 1863 مطابقت دارند، زیرا 19 سال نخست آلفای این نبوت است و 19 سال آخر امگای آن. در آن دوره 19 ساله، شاه شریب آحاز با پیام باران آخر، چنان‌که در آیه هشت به‌عنوان پیام «هفت زمان» نمایانده شده، از سوی اشعیا روبه‌رو شد. آحاز این پیام را رد کرد، همان‌گونه که ادونتیسیم میلریتی لادیکایی در 1863 آن را رد کرد.

در آن دوره، کاهن اعظم آحاز به آشور سفر کرد، طرح معبد بت‌پرستانه آنان را با خود بازگرداند، و آحاز دستور داد آن را در صحن معبد خدا بسازند. این روایت با داستان پیامبر نافرمانی موازی است که نباید از همان راهی که آمده بود به یهودا بازمی‌گشت، اما بازگشت و به‌دست پیامبری کاذب و دروغ‌گو فریب خورد؛ و این، نماد بازگشت به روش‌شناسی پروتستان مرتد برای پنهان کردن برداشت میلریتی از «هفت بار» است؛ تحقق کلاسیک سگی که به قی خود بازمی‌گردد.

این در حالی رخ می‌داد که جنگی داخلی میان پادشاهی شمالی و پادشاهی جنوبی در شرف آغاز بود و بدین‌سان مصداق جنگ داخلی ایالات متحده بود، زمانی که دوره ۱۹ ساله تکرار شد. از ۷۴۲ پیش از میلاد تا ۷۲۳ پیش از میلاد نمایانگر دوره ۱۹ ساله ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ است، که نمایانگر دوره میان قانون یکشنبه و پایان مهلت است. تاریخ ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه تاریخ آزمون تصویر وحش در درون ایالات متحده است که در آزمون جهانی تصویر وحش، که با قانون یکشنبه آغاز می‌شود، تکرار می‌گردد. از این رو، دوره‌های ۱۹ ساله‌ای که نمایانگر دوره میان قانون یکشنبه و پایان مهلت‌اند، همچنین نمایانگر تاریخ ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه هستند که همان تاریخ «اعمال شگفت‌انگیز» اوست.

در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

و کلام خداوند بر من آمد و گفت: ای پسر انسان، این چه ضرب‌المثلی است که در سرزمین اسرائیل دارید و می‌گویید: «روزها به درازا کشیده است و هر رؤیایی ناکام می‌ماند»؟ پس به ایشان بگو: چنین می‌گوید خداوند خدا: این مثل را از میان برمی‌دارم، و دیگر آن را در اسرائیل به‌عنوان ضرب‌المثل به کار نخواهند برد؛ بلکه به آنان بگو: روزها و تحقق هر رؤیا نزدیک‌اند. زیرا

دیگر نه رؤیای باطل و نه غیب‌گویی چاپلوسانه‌ای در میان خانهٔ اسرائیل خواهد بود. زیرا من خداوندم: سخن خواهم گفت، و کلامی که بگویم واقع خواهد شد؛ دیگر به تأخیر نخواهد افتاد؛ زیرا در ایام شما، ای خانهٔ یاغی، کلام را خواهم گفت و آن را به انجام خواهم رساند، می‌گوید خداوند خدا.

باز کلام خداوند نزد من آمد و گفت: ای پسر انسان، اینک اهل خانهٔ اسرائیل می‌گویند: «رؤیایی که او می‌بیند برای روزهای بسیار آینده است و او دربارهٔ زمان‌های دور پیشگویی می‌کند.» پس به ایشان بگو: خداوند خدا چنین می‌گوید: از این پس هیچ‌یک از سخنان من به تأخیر نخواهد افتاد، بلکه سخنی که گفته‌ام انجام خواهد شد، می‌گوید خداوند خدا. حزقیال ۲۱: ۱۲-۲۸.